

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز دوشنبه ششم بهمن ماه ۱۳۲۰

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بیانات آقای رئیس راجع به طاق های قبل از دستور آقایان نمایندگان
- ۳ - بقیه شور دوم و تصویب لایحه پیمان بین دولت ایران و دولتین شوروی
- و انگلستان
- ۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس چهار ساعت بعد از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس رو ز پیش را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند

۴۰۰۰۰

## ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری ؟ ( اظهاری اشد ) صورت

مجلس تصویب شد

## ۲ - بیانات آقای رئیس راجع به طاق های قبل از دستور و ضمن دستور آقایان نمایندگان

رئیس - متأسفانه بنده می بینم بعضی از آقایان نمایندگان

که تقاضای اطاق می کنند گله مندند که رعایت از تقاضای اطاق

آنان نمیشود در صورتیکه اینطور نیست تقاضای اطاقی که

میشود دو قسمت است یکی راجع بقبل از دستور است یکی راجع

بدستور و طرح لوایح . راجع بموضوع طرح لوایح همانطوریکه

آقایان مستحضرنند آقایان منشی ها که مال دقت را دارند

و یادداشت خودشان را هم در موقع میدهند و مرتباً یادداشتهای

اسامی میرسد و بهمان ترتیب که یادداشتهای میرسد بهر یک از

آقایان اجازه داده میشود و راجع بنطاق قبل از دستور هم

بعلاوریکه بداره قانون گذاری هم تأکید شده است تاریخ و وقت معین که از طرف آقایان نمایندگان تقاضا میشود آنها یادداشت می کنند و میفرستند و در آنجا هم رعایت ترتیب بعمل می آید منتهی این است که بعضی از آقایان که در مجلس تقاضای اطاق می کنند خبر ندارند که ناملق دیگری پیش از ایشان بوده یا بعد از ایشان و این اسباب گله شان شده است در صورتیکه هیچ تبعیضی درین نیست و تبعیضی نمیشود و از آن طرف هم در موقع دستور و طرح لوایح هر وقت مجلس تقاضا کرد و از دستور میشود و هر وقت هم اکثریت مجلس مذاکرات را کافی دانست آنوقت بنده باید مطابق رای مجلس و تقاضای اکثریت مجلس رفتار کنم و آقایان نمایندگان محترم البته در آن موقع رای مجلس را بر رای خودشان ترجیح خواهند داد و این گله که بیشتر اسباب راجعش خاطرشان شده است از خاطرشان بیرون خواهند کرد

( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ )

این مذاکرات مشروح هجدهمین جلسه از دوره سیزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس



## [ ۳ - بقیه شور دوم و تصویب لایحه پیمان بین دولت ایران و دولتین شوروی و انگلستان ]

رئیس - بقیه شور دوم پیمان بین دولت ایران و دولتین شوروی و انگلستان مطرح است. از طرف آقای دکتر جوان در فصل پنجم و از طرف آقای نوبخت در فصل اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و ضوابط اعتراضاتی رسیده است که طبع و توزیع شده و با اطلاع آقایان نمایندگان محترم رسیده آقای نوبخت توضیحاتی که دارد مطابق نظامنامه بطور اختصار بعرض مجلس خواهند رسانید. (صحیح است) آقای نوبخت بفرمائید

نوبخت - بنده ۹ اعتراض دارم که در اطراف هر يك بایستی توضیح خودم را در اطراف همه آنها عرض کنم حالا آقایان میفرمایند که در اطراف هر يك جدا جدا عرایض بکنم یا یکمرتبه بگویم هر طور که دستور و اجازه می فرمایند عرض کنم.

رئیس - بطور اختصار همه را یکمرتبه بفرمائید.

نوبخت - چشم اعتراض اول بنده راجع بماده واحده است ماده واحده می نویسد مجلس شورای ملی پیمان اتحاد بین دولت شاهنشاهی ایران و دول اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان را که مشتمل بر ۹ فصل و شش نامه میباشد و در تاریخ ۲۴ آذر ماه ۱۳۲۰ از طرف نمایندگان سه دولت پاراف شده تصویب و بدولت اجازه میدهد امضاء و مبادله شود. این ماده واحده دارای یک مقدمه است و ۹ فصل و شش نامه بنده ایرادیکه کردم در اینجا یکی راجع باینست که در اینجا قید شده است آیا صورت مجلس داشته است یا نداشته است ثانیاً در قسمت مقدمه این لایحه ماده واحده که شامل مقدمه و فصول و ضمایم است البته باید صورت مجلس هم داشته باشد و در اطراف این موضوع بنده عرایض خودم را عرض میکنم. ماده واحده شامل مقدمه و فصول و ضمایم و البته صورت مجلس است اگر صورت مجلس داشته باشد و پیش از همه چیز در باره منشور اتلانتیک که آقایان دولتی ها بآن خیلی مینازند و یکی از آقایان نمایندگان بهم عنوان دو مرد بزرگ آرا متذکر شدند و مقدمه این قرارداد را تشکیل میدهد چند کلمه بعرض مجلس میرسانم دنیا خیلی از اینگونه مردهای

بزرگ دیده است یکی از آنها هم ویلسن رئیس جمهور پیشین امریکا بود که بزرگی او بسیار در گفتار بود او هم بعقیده بعضی ها مرد بزرگی بود که همه دیدیم و شنیدیم و دانستیم که نیم کرده هم در دو صد گفته ایشان مشاهده نشد و سند اقتضای او را و از دانشمند معروف انگلیس در کتاب خودش ثبت نموده و آنچه من باید در اینجا در باره این قبیل مردان بزرگ بگویم او در کتاب تاریخ منصل و مشروح خود یاد کرده است و همه میتوانند آنها را در کتابخانه مجلس ببخوانند و قیمت گفتار مردان بزرگ ایشانرا به سنجند عرض کردم و از دانشمند معروف انگلیس گفته است. متأسفانه قرارداد آقای فروغی بروی چنین پایه سستی بنا شده و مقدمه آنها هم مصدر بهمان نام مبارک منشور اتلانتیک میباشد و دولت کنونی ما با نهایت تأسف میخواند در این کشور ده هزار ساله يك تحول بسیار بزرگی ایجاد کند و ایران را از حالی بحالی سوق بدهد بچه دلیل؟ بدلیل منشور اتلانتیک که دو نفر با هم بروی آب نشسته و مضمون آنرا با هم قول داده اند و آقای روزولت هم از آن طرف اقیانوسها قضایای شهر یور ماه را برای ایرانیان ارمغان و مزد گالی ان منشور فرستاده اند و برای همین مهر و محبت هم بعضی جراید ما اینهمه سنگ آمریکا را بسینه میزنند و این دوستی فراموش شدنی را نمونه عواطف و انسانیت مردان یسکی دنیا می شمارند و یقین است که ملت ایران این ارمغان محبت را هرگز فراموش نخواهد کرد بسیار خوب بخدا بزرگترین داد خواه ما است او بهتر از همه می بیند و بهتر از همه میداند.

عرض کردم این منشور اساساً بروی آب بسته شده است و امیدام این شعر از خود آقای فروغی است یا از مرحوم والد ایشانست از هر که هست مثال خوبی است که میگوید: همیشه مردم چشم ز آب دیده پر آبست

خراب میشود آنچه را که بر لب آبست تا چه رسد با ساسی که پایه آن بروی آب باشد بلکه این منشور وقتی میتواند رسمیتی داشته باشد یا شالوده و دلیل يك عملی بشود که در مجلس انگلیس و در مجلس آمریکا مورد

هم که از مجتهدین علم منطبق است حاضر میگردد و از بعضی ها هم در گذراندن این قرارداد آتشی تر و عجول تر میبودند هرگز نمیتوانستند برای اینجملات وجه ارتباطی قائل شده یا رای بدهند که منشور اتلانتیک ممکن است بتواند غلت ایجاد چنین قراردادی گردد.

چون روزولت و مستر چرچیل باصل منشور اتلانتیک توافق کرده اند دولت ایران هم با اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس قرارداد می بندد! این هم شد منطبق؟

این دو اصل غیر مسلم تمام مقدمه ایست که دولت در صدر این قرارداد قرار داد و بعقیده من هر کس اندک اطلاعی از منطبق عملی و نظری داشته باشد می فهمد که این دو قضیه وجه ارتباطی با هم ندارند و خردمند قانون گذار نمیتواند آنرا تصدیق کند یا يك حرفی را پایه و اساس یک قانونی قرار بدهد! اینک این مواد که نامش منشور اتلانتیک است مطالبی بود یقینی آنها که اینطور لیست و تماماً مصدر بکلمات شاید و شاید است و هر منظور را که بصورت ماده در آورده اند با جملاتی از قبیل: (کشور انازویی و انگلستان امیدوارند) یا (سمی میکنند) یا (مایند) یا (عقیده دارند) یا (آرزو مندند) یا (در حدود امکان) مصدر نموده اند معلوم است که چنین قراری که دو نفر با هم توافق کنند با این کلمات کش دار آنها در هنگام جنگ باز هم در صورتی که فاتح بشوند و بشرط آنکه از طرف کشور ما و پارلمانهای خود از بین بروند چه قیمت و ارزشی دارد؟ تازه اگر هم نتوانند یا نخواهند اجرا بکنند مانع و رادعی برای ایشان حربه نیست آری اگر مجلس امریکا و مجلس انگلستان آنرا تصویب کرده بودند ممکن بود دارای اعتباری باشد.

آقای نخست وزیر، چون علت اولیه قرارداد شما را دو نفر با هم قول داده اند و بمجلس خودشان هم برده اند بیائید شما هم جوانه ردی کنید و این قرارداد را از مجلس پس بگیرید و از سر ما بگذرید شما هم با آنها هر قولی میخواهید بدهید و کاری بکار ملت ایران نداشته باشید و او را با این امضاء آلوده نکنید.

تصویب واقع گردد و گرنه روستاء دول خیلی قراردادها با هم میگذارد که غالباً صورت عمل پیدا نمیکند اگر دولت انگلیس و دولت آمریکا دو دولت دیکتاتوری بودند باز جای ایرادی نبود و شاید ممکن بود قرار و مدار مستر چرچیل و آقای روزولت سندی باشد اما دولتهائی که هر ساعت ممکن است مجلس آنها را معزول و بسا آنکه محکوم نماید کی و کجا قولشان میتواند برای سالهای متعددی دارای اعتبار باشد؟ مگر چنین لین نخست وزیر انگلیس نبود که مجلس انگلستان او را معزول کرد و چرچیل را بجای او گذاشت ممکن است فراهم آقای چرچیل جای خود را بایند بدهد.

شما آقای فروغی خودتان این قرارداد را به مجلس میآورید و میگوئید تاج مجلس تصویب نکند قابلیت آنرا ندارد که مورد اجرا واقع شود پس چطور پایه قرارداد خود را بروی گفتار دو نفر که آنها هم همکار شما هستند و مجلس های آنها ممکن است قولشان را قبول نکنند سندی معتبر می پندارید و در ذیل يك مسئله قضایائی که مطابق منطبق هیچگونه ارتباطی با هم ندارند قرارداد اتحادی قائل میشوید و امضاء می کنید و از مجلس هم تصویب آنرا می خواهید. شما میگوئید شاهنشاه ایران و پادشاه بریتانیا و هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی نظر باصل منشور اتلانتیک که رئیس جمهور امریکا و نخست وزیر انگلستان در ۱۴ اوت ۱۹۴۱ بر آن توافق کرده اند و اتحاد جماهیر شوروی هم در ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۱ آنرا تأیید کرده است و دولت ایران هم توافق کامل خود را با آن اصل ابراز مینماید آرزو مند میباشد که رشته دوستی و حسن تفاهم فیما بین استوار شود. نظر باینکه این مقاصد بوسیله قرارداد اتحاد بهتر حاصل میشود توافق نمودند که قراردادی منعقد کنند اینها پنج قضیه باینج جمله هستند که باید یکی معلول دیگری باشد و آنقضیه که علت همه آنهاست همان منشور اتلانتیک است که بر طبق دلائل حسی و دلائل علمی و منطقی يك قضیه غیر مسلم و غیر موجبی است و يك ادعائی است که بهیچوجه صورت قانونی ندارد پس چنین قضیه چگونه میتواند سبب ایجاد قانونی بشود بعقیده من اگر ارسطو هم زنده میشد یا بکون انگلیسی



بنده وارد باین مبحث نمیشوم که متشور آتلاتیک برای ملل جهان چه اثری دارد و تا چه اندازه مفید یا مضرت فقط عرض میکنم که ماده دوم آن تقریباً به ظلم صریح دول زورمند حق قانونی داده است و در آخر ماده هشت آنهم این دومرد بزرگ آقای ما بنده محترم وعده داده اند که دول صاحبجورا هم خلع سلاح کنند و هم از این خلع سلاح ملتی بر آنها بگذارند که دوش ملل صاحب جو را از بارسنگین تسلیحات سبک کرده باشند من اینطور از این دو ماده استنباط کردم ممکن هم هست اشتباه کرده باشم مردم بازاری را اصطلاحی است که میگویند ای مشتری احمق کجائی که هم مغبوت کنم هم ممنوع باشی! اما دنیا میدانند که ملت ایران ملت احمقی نیست و در ردیف اینقبیل ملل صلح جو هم هرگز بوده و بعد از اینهم نخواهد بود ملتی که روزی تمام آسیا را بشمشیر خود گرفت و در همین اوان اخیر هم پادشاهش امپراطور هندوستان بود طرفدار اینقبیل صلحها که بزبان او تمام شده ایست و نخواهد بود و تاریخ ایران گواه است که ایرانیان همیشه مردمی جنگجو و ساحشور بوده اند و در تمام کیتی بشجاعت معروف هستند وزیر بار هیچ ظامی امپروند از جان میگذرد اما از آقائی و سیادت خود دست بردار نیستند و نخواهند بود هرگز بردگی نکرده اند هرگز اجنبی نتوانسته است آنها را بنده و زرخیرد کند.

ملتی که طوفان دریا را تهدید کرده از تنگه نرومپیل با تلفاتی بسیار سنگین عبور نمود ملتی است که هرگز نمی میرد. راجع بقسمت فصل اول پیشنهاد بنده این است:

دولت ایران نسبت بدولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلیس معتقد بر روابط مبنی بر قراردادهای آزاد و احترام متقابل ملل است و اساس روابط ایران با اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلیس مبتنی بر عهدنامه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و عهدنامه تأمینیه بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی مصوبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۰۶ میباشد.

ملت اینست که فصل اول این قرارداد را عبث و مضر میدانم این است که محترم داشتن استقلال ایران و تمامیت

خاک و حاکمیت او محتاج بتعهد هیچکس نیست اینست که آقای نخست وزیر در جواب بنده فرمودند که بنده گفته ام استقلال ایران که در فصل اول این عهد نامه ذکر شده است و دولتمن متعهد شده اند آنرا رعایت کنند محتاج به پیمان نیست جواباً عرض میکنم که بنده هرگز چنین مطلبی عرض نکردم بلکه گفتم: آنچه تا امروز مورد اعتراف همه دول و ملل دنیا است این است که ایران مستقل و آزاد است و این استقلال را هم مدیون کسی نیست بلکه مدیون قوت معنوی و مادی خود میباشد بنابراین محتاج بتعهد و عقید پیمان نیست و دولت اتحاد جماهیر شوروی هم که از دول معتبر دنیا است از بدو امر تا حال معترف بوده است بنده هیچگاه عرض نکردم که دولتمن تعهد کرده اند اگر این جواب را مردی میداد که کلمات را از هم فرق نمیگذاشت بنده خیلی متأثر نمی شدم اما از آقای فروغی که مردی دانشمند می باشند بسیار کلمه مندم که بیان مرا طور دیگر تعبیر نمودند. آقای نخست وزیر خیلی فرق است میان این دو کلمه یکی شناختن یکی تعهد کردن من عرض کردم دول دنیا و همسایگان ما همه مثل تمام دنیا استقلال نام و تمام ما را شناخته اند انگفتم تعهد کرده اند و ملت اینست که با این فصل هم مخالفم و اعتراض داده ام همین است که کلمه تعهد را بسیار مضر میدانم بلکه صریحاً عرض کردم که دولت اتحاد جماهیر شوروی سابقاً از اینگونه تأمین ها یا بعبارت دیگر از تعهداتی که بهائو تأمین استقلال است رسماً اظهار تنفر نموده است. چه طور میشود با این تصریح گفته باشم که آنها تعهد کرده اند و البته فرق میان کلمه شناختن و تعهد کردن بقدری واضح و مبرهن است که محتاج بتوضیح بیشتری نیستم و بسیار متأسفم که آقای فروغی این اشتباه خودشان را مکرر بر مکرر اظهار کردند من هم در همان جلسه از آقای رئیس اجازه خواستم که جواب بدهم متأسفانه بمن اجازه مرحمت فرمودند بنابراین تمام فرمایشهای آقای فروغی که بر روی عبارت خود شان و این اشتباه اظهار شده است بکلی بی مورد میدانم خوشبختانه هر کس بیانات مرا و بیانات ایشان را در روزنامه ها خوانده باشد بخوبی بی

برده است که ایشان يك مطالب مجهولی را جواب گفته اند که روح من از آنها خبر نداشته است من عهدنامه گفته ام ایشان تعبیر به تعهد نامه نموده اند من شناختن گفته ام ایشان تعبیر به تعهد کرده اند و هیچ مرد لغوی کلمات را اینطور معنی نمی کند و اینست که فرمودند مردم از عهد نامه وحشت دارند و در این مورد هم امثله آوردند اجازه بستم که عرض کنم مردم از عهد نامه های مودت و دوستی هیچ وحشتی ندارند مردم از اینگونه قراردادهای که نامش قرارداد اتحاد است وحشت دارند و حق هم با آنها است دلیلش هم این است که ما با تمام دول دنیا سابقاً معاهده مودت بسته ایم و مردم هم از همان اوقات تا حالا از آنها خوشوقت بوده و هیچگاه هم وحشتی نداشته اند اما اینطور قرارداد که شما میخواهید منعقد کنید البته مایه وحشت است و گمان نمی کنم مردم آنقدر نادان باشند که بفهمند عهد نامه دوستی غیر از قرارداد اتحاد است آن هم با این شکل موهن مگر ما بخاطر نداریم که در عهد نامه روس و انگلیس ۲۲ رجب ۱۳۲۵ قمری در اثر تنفیری که ملت ایران راجع بمعاهده مذکور ابراز داشتند سفیر انگلیس در تهران یادداشتی بدولت ایران فرستاده و تقریباً باین مضمون بوده که دودولت روس و انگلیس رسماً تعهد می کنند که استقلال و تمامیت ایران را رعایت نمایند و بهیچوجه در امور ایران دخالت نکنند اگر آن معاهده را این اعتراف توانست بی غرض نشان بدهد فصل اول قرارداد شما هم میتواند این فکر را از توده مردم دور بکند.

باز هم در جواب عرایض من راجع بهمین فصل اول فرمودند (یکی از مطالب شما این بود که چه طور شده است که دولتمن شوروی و انگلستان تعهد رعایت استقلال دولت ایران را می کنند اما دولت ایران تعهد رعایت استقلال آنها را نمیکنند) بعد هم جواب این جمله را اینطور اظهار فرمودند که (برای اینست که رودر بایستی نداریم ما اگر هم تعهد رعایت استقلال آنها را بکنیم بر آنها چیزی مزید نمیشود و مشکل بنظر می آید که ما در مقامی واقع شویم که بتوانیم با استقلال آنها خللی وارد کنیم یا منفعت برسانیم ولی عکس آن متصور است) در این جاحق دارم که عرض کنم عبارت من طوری دیگر بود

من گفتم قید این فصل موهن و مایه شبهه بلکه مشوم است زیرا اگر این قرارداد چنانچه دولت میگوید قرارداد اتحاد است البته چنین قید و شرطی نسبت بمسکطرف لازم نیست و اگر لازم باشد دولت ایران هم باید نسبت با آنها چنین تعهدی را قائل بشود این بود عبارت من. آقای نخست وزیر فرمودند (که اگر ما تعهد رعایت استقلال آنها را بکنیم بر آنها چیزی مزید نمیشود و مشکل بنظر می آید که ما در مقابل و در حالتی واقع شویم که بتوانیم با استقلال آنها خللی وارد بیاوریم با آن منفعت برسانیم ولی عکس متصور است) اگر اینطور باشد تعهد ما البته مضر هم نیست و قول هم میدهم که تعهد ما مثل تضمین های دولت انگلستان نشود اما تعهد آنها نه تنها منفعت ندارد بلکه زیان بسیار برای آن پیش بینی میشود و بسیاری از کشورهای اروپا فدای همین گونه تعهدها شدند علاوه بر این ممکن است ما را در معرض دشمنی تمام دول اروپا و بعضی از دول آسیا قرار بدهد پس بما هم چیز خوبی مزید نمیشود و اگر مزید بشود چیز بدی است.

من هنوز نمیدانم آقای نخست وزیر از این واژه تعهد چه مفهومی را در نظر دارند اگر این کلمه بدون قصد اصطلاحی ادا میشود یعنی تنها معنای لغوی آن در نظر است که چندین مصیبتی بر آن مترتب نیست اما اگر آنرا بشکل مصطلح سیاسی و مرادف با تضمین ادا می کنند گمان نمیکنم که ایران تاب اینگونه تعهدها را داشته باشد و جریان این چند ساله بمانشان داده که دولت انگلستان مکرراً بسیاری از کشورهای اروپا را تضمین کرد و در اثر آن تضمینها آن کشورها بخاک سیاه نشستند در حقیقت آسمان هم بار ضمانت را نمی تواند بکشد و آنکهی این تعهد اگر چنین معنایی داشته باشد مخالف تمام معاهده های مودتی است که با تمام دول دنیا بسته ایم و بنظر من این تعهد عملی بدهوده است زیرا ما با همه ملل اروپا و آسیا دوست هستیم و دشمنی نداریم که کسی ما را در پناه تعهد خود بگیرد.

ملت ایران از وقایع اخیر سخت رنجیده خاطر است و معتقد است که آبروش را از میان برده و هستی او را تهدید



داده اند و یکی تاب ندارد بروی دیگری نگاه کند همه از یکدیگر شرمند ایم و بار خجالت بدوش می کشیم در دنیا ما را رو سیاه کردند مهمانیهای ما را باسارت و کشتن دادند پادشاه ما را بگرمترین نقاط میبردند . . . . .

همه نمایندگان - صدای زنگ رئیس  
بعضی از نمایندگان - این حرفها خارج از موضوع است . . . . .

رئیس - آقای ابوبخت آقای ابوبخت این حرفها چیست که میگوئید آقا؟ اینها جزو اعتراض نیست . من بشما اخطار میکنم آقا . چرا برخلاف مصالح مجلس و مملکت حرف میزنید؟ یعنی چه یعنی چه؟ این حرفها معنی ندارد ربطی باین مسئله ندارد راجع بماده اول اگر حرفی دارید بگوئید . . . چرا برخلاف واقع حرف میزنید؟ آنوقت کله هم میکنید . . یعنی چه . . این حرفها خوب نیست آقا . . . نمایندگان - صحیح است .

صفوی - اخطار نظامنامه دارم اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید .

صفوی - عرض کنم که آقای ابوبخت دیروز از نظامنامه داخلی مجلس استفاده کردند و اعتراض شایع را دادند مطابق ماده ۳۲ نظامنامه داخلی چون باید طبع و توزیع شود و ۲۴ ساعت قبل بنظر نمایندگان برسد مطابق آئین نامه داخلی مجلس عمل شد و جلسه برای امروز موعول شد امروز هم باید مطابق آئین نامه رفتار کنند و در اطراف پیشنهادشان باید بطور اختصار حرف بزنند ولی ایشان وارد شده اند در مباحثی که اصلاً مربوط باین قضایا نیست (صحیح است - صحیح است) رئیس (خطاب بآقای ابوبخت) - بنده باچارم اخطار نظامنامه بشما بکنم و این رفتار را اگر تعقیب کنید نظامنامه را اجرا کنم اگر مطلبی دارید مطابق نظامنامه بطور اختصار در اصل موضوع صحبت کنید و گله هم نکنید .

اورنگ - عرض دارم . بنده قبلاً اجازه خواسته ام . من هم توضیح و اخطار نظامنامه دارم .

رئیس - بفرمائید .

اورنگ - شما موافق نظامنامه و آئین نامه مجلس شورای ملی دیروز اعتراضاتی پیشنهاد کردید و آئین نامه هم مقرر کرده بود پیشنهادات شما طبع و توزیع شود و ۲۴ ساعت بعد در مجلس مطرح شود و شما هم در اطراف پیشنهاداتتان توضیح مختصری بدهید و تکلیفش را مجلس معین کند ما هم که در این مجلس شرفیاب هستیم میل داریم موافق همین نظامنامه عمل کرده باشیم آقا در کجای نظامنامه نوشته است که شما شب تشریف ببرید خودتان یا دیگری لابد (چون چشم خودتان را بسته اید که درد میکنند) برای شما بنویسد و یک کتاب مفصل بنویسید و بیاورید اینجا و بااعتقاد خودتان هم شاهنامه ایست و بخوانید . آخر من مادر مرده بموجب نظامنامه التزام سپرده ام این کتاب شاهنامه مفصل شما را گوش بدهم کدام ماده نظامنامه گفته است من حتماً باید کتاب آقای ابوبخت را گوش بدهم؟

ابوبخت - قضاوتش باشما تنها نیست با تمام ایرانیهاست . اورنگ - من هم میگویم تمام ایرانیها و یک حاکم میخواند حاکم هم مجلس شورای ملی است . . .

ابوبخت - فصل دوم این قرارداد فصل بسیار مهمی است . (بنده خیلی خوشوقتیم که آقای نخست وزیر گوش میدهند و ملتفت هستند که عرایض بنده خارج از موضوع نیست (خنده نمایندگان) .

فصل بسیار مهمی است زیرا این فصل ایران را از جاده مستقیم بی طرفی منحرف میکند .

آقای نخست وزیر در باره عرایض سابق من فرمودند (در باب اینکه این اتحاد چه نوع اتحادی است خیلی توضیحات ندارم و همینقدر انواع اتحاد را بیان نموده ام که اگر گفته شود این قرارداد قرارداد اتحاد تدافعی است یا تعرضی است آنوقت ثابت خواهد کرد که اینهاور نیست) بعد هم عقیده خودشان را چنین بیان کردند که (اگر بنا شود اتحادها را در تحت تقسیمات معین در آوریم بنده اسم این را اتحاد تدافعی میگذارم) .

اکنون که آقای فروغی اجازه فرمودند بطور خیلی مختصر

درباره اقسام اتحاد توضیحی میدهم :

قرارداد اتحادی تعهد یک دولتی است نسبت بدولت دیگر که با او همراهی کند .

عرض کردم همراهی کند نه همکاری که در ماده اول برنامه دولت ذکر شده است زیرا البته آقای نخست وزیر میدانند که میان همکاری و همراهی چقدر فرق است و همکاری از خصوصیات اتصال است نه اتحاد . یک قسم از اقسام قرارداد اتحادی اتحاد مطلق یا غیر مقید است یعنی روش چند دولت متحد طوری باشد که منافع آنها بالسویه یا مشترك باشد چون گمان نمیکنم که این قرارداد بدلیل فصول و محتویات آن از این نوع اتحاد باشد در اطراف آن چیزی عرض نمیکنم . یک قسم دیگر اتحاد عام یا اتحاد کلی است که چند دولت بقسمی با هم یگانه میشوند که یک سیاست را پیروی میکنند این هم سه نوع است نوعی از آن یگانگی سیاست داخلی است نوعی دیگر یگانگی سیاست خارجی است و نوع سوم یگانگی سیاست داخلی و خارجی است و البته در داشتن حق باهم یکسان می باشند و عمل آنها هم یکسان است ولی ممکن است که هر یک بطور تساوی استقلال خارجی نداشته باشند البته قرارداد دولت آقای فروغی از این قسم هم نیست باقی می ماند دو قسم اتحاد یکی اتحاد تعرضی یا اتحاد جنگی یعنی چند دولت باهم بدولت دیگر حمله نمایند البته از این قسم هم نیست دیگری اتحاد تدافعی است که چند دولت با هم از تعرض دولت دیگر دفاع میکنند بعقیده من قرارداد شما آقای نخست وزیر از این قسم هم نمی تواند محسوب بشود زیرا بموجب قسمت الف از بند دوم فصل سوم و بموجب ضمیمه سوم این قرارداد ایران شرکت در دفاع نمی کند و نباید هم شرکت بکند بنابراین این بسیار متعجبم که آقای نخست وزیر فرمودند اسم این را اتحاد تدافعی میگذارم

فصل سوم این قرارداد مشتمل است بر سه بند :

بند اول آن حاکی از این است که دو دولت اجنبی متعهد میشوند که از یک یا چند دولت اجنبی دیگر بفرض اینکه بایران تجاوز کنند ایران را دفاع نمایند .

قبل از همه چیز یک اصل مسلمی را در این جا از زبان همه ملت ایران تکرار میکنم که اجانب در نظر ما یکسانند همانطور که با انگلیس و با دولت شوروی دشمنی و خصومت نداریم همانطور هم با آلمان و متحدین او خصومتی نداریم و تا وقتی که با ما دوست هستند ما هم با آنها دوست هستیم دوم اگر دولتهائی که بایران تجاوز کرده اند ایران را از قوای خود تخلیه نمایند گمان امیرود که دولت دیگری بایران تجاوز کند و اگر هم تجاوز کرد دفاع از ایران حق تغییر نا پذیر ارتش ایران و افراد ایرانی است و هیچ اجنبی در تحت هیچ اسم و رسمی حق ندارد ایران را دفاع کند . خیلی خنده آور است که برای یک فرس موهوم یعنی حمله یک اجنبی بیک اجنبی دیگر اجازه بدهیم که کشور ما را دفاع کنند در صورتیکه ما با تمام دول اروپا و آسیا بالسویه دوست هستیم و پیمان موذت بسته ایم ملت ایران با ملت آلمان دوست است و چنانچه با ملت روس دوست است و چنانچه با ملت ژاپون دوست است . ملت ایران معتقد است که ملت انگلیس و ملت روس هرگز راضی باختناق ایران نیستند و اگر قصد این تجاوزی که دولت انگلیس در باره ایران روا داشته است بمجلس خود میبرند و از نمایندگان انگلیس اجازه میخوانند بعقیده من هرگز ملت انگلیس با آقای چرچیل اجازه نمیداد که ارتش آنها ایران را غافلگیر کند و خیلی از روساء و نخست وزیرها هستند که غالب اعمال آنها مطابق عقیده ملت آنها نیست . بنا بر این دفاع دولتمن در برابر آلمان و متحدین او اگر درمرز ایران واقع شود دفاع از خودشان کرده اند نه از ایران زیرا ایران اگر بخواهد دفاع کند هر وقت ملت ایران اجازه بدهد ارتش او دفاع خواهد کرد .

معنی بند اول از فصل سوم این است که میان دولت ایران و دولت آلمان خصومتی است که ممکن است بایران حمله کند و دفاع ایران را هم دولت ما بدولت انگلیس و شوروی که دشمنهای او هستند واگذار کرده است و من در اینجا از طرف



ملت ایران میگویم که ما نه با کسی دشمنی داریم و نه حق دفاع ایران را با جنبی میدهم.

رئیس - شما از طرف ملت ایران نمی‌توانید بگوئید آقا از طرف خودتان بگوئید.

نوبخت - چون من نماینده ملت ایران ... (جمعی از نمایندگان - همه نمایندگان ملت ایرانند)

رئیس - آخر آقا جان همه نماینده ملت ایران هستند. چرا از حدود نظامنامه خارج میشوید؟

جان من یک نفر نمیتواند اینجا از طرف ملت ایران حرف بزند (صحیح است).

نوبخت - چشم از طرف خودم عرض میکنم. اگر این را رعایت نکنیم و پیمان مودت خود را با ملل اروپا حفظ نمائیم بوسیله این بند اول دشمنی آنها را بدون سبب به طرف خود جلب کرده ایم.

در یکجا دولت از تجاوز جلوگیری نکرده در جای دیگر هم تجاوز دیگری را جلب میکند حالا میخواهیم بدانیم که آیا ملت او را گماشته است که درست منظور او را بر عکس عمل نماید؟

البته اینطور نیست و ایرانی دولت خودش را می‌خواهد برای آنکه کشورش از تعرض دیگران مصون بماند شاید تمام آقایان تصدیق بفرمایند که تعهد یک دولت محارب با دولت دیگر از دولتی ثالثی عداوت دولت محارب را نسبت بدولت ثالث جلب خواهد کرد یعنی دولت ثالث یک طرفه خواهد شد و در واقع محارب شماره دوم محسوب میگردد پس دولت ما بنا بر اصل صحیح و خلل ناپذیر قانون اجتماع حق چنین کاری را ندارد زیرا ملت او را برای اینکار معین نکرده و بنا بر این ملت ایران بمن که یک نفر نماینده مجلس هستم این حق را نمیدهد که با نظریه چنین دولتی موافقت کنم و مخالفت من در باره این قرارداد بر روی نظریه اساسی تمام ملت ایرانست.

بند دوم اینفصل سوم تعهد شاهنشاه ایران را در فقرات الف ب ج د شرح میدهد و چنانچه مشهود است این بند

قادر باشد از عهده بر آید که هر نوع مساعدتی را درباره وسائل و مصالح و کارگر مبنول دارد

در بند سوم اینفصل منظور نظر داشتن دول متحده حوائج ضروری ایران را جمله بسیار مضحکی است ممکن است منظور نظر من این باشد که ریشه بیداد را در تمام کیتی از بن برکنم و در عین حال کوچک ترین اقدامی هم نکنم و ممکن است خیلی کارهای خوب منظور نظر من باشد که یکی را هم اقدام ننمایم همچنین ممکن است منظور نظر دول متحده حوائج ضروری ایران باشد اما یک قدم هم برندارند زیرا تعهد عملی در ضمن این فقره دیده نمیشود حتی یک کلمه

(بر آوردن) هم جلو کلمه حوائج گذاشته نشده که اقلاً معلوم شود که حوائج ایران منظور نظر آنها است نه آنکه تنها حوائج ما را در آینده جهان امای کیتی مشاهده کنند! زیرا منظور نظر داشتن حوائج جز این چیز دیگری نیست خاصه که از کلمه ضروری هم که صفت برای حوائج آورده شده است می‌توان تعبیرانی قائل شد خود آقای فروغی هم که در پشت این تریبون فرمودند که کلمات و اقوال علمای سیاسی را می‌توان همه نوع تعبیر کرد ممکن است دومرتبه غذا خوردن هم از حوائج ضروری نباشد. حقیقه بسیار معامله خوبی است از ما هر نوع مساعدت از آنها منظور نظر. فصل چهارم این قرارداد مشعر بر آنست که دولت شوروی و انگلستان هر قدر بخواهند می‌توانند قوای زمینی و دریایی و هوایی در ایران نگاه بندارند کجا نگاه بندارند؟ خوراک و لوازم اینها از کجا تهیه خواهد شد؟ و چه اعمالی ممکن است از وجود آنها پدید آید؟ اینها سؤالاتی است که پاسخ آنها با آقای فروغی است.

روابط قوای دول متحده با ادارات دولت ایران و همکاری ادارات آنها بنحوی که مأموریت قوای مزبور محفوظ باشد داستانیست که محتاج شرح و بسط زیاد است من نمی‌دانم ادارات ایران چگونه می‌توانند با قوای خارجی روابط داشته باشند و تعهد کنند که همکاری نموده مأموریت آن قوا را بعهده بگیرند. من نمی‌دانم چطور ممکن است که اجازه بدهیم

که قوای خارجی هر اندازه که بخواهند در ایران سکونت نمایند و ضربت آخری را هم بدین شکل بر پیکر تحریف این کشور وارد بیاوریم و اعتراف کنیم که حضور این قوا در خاک ایران اشغال نظامی نخواهد بود

معنی جمله اول این است که حق خود را از دست بدهیم معنی جمله دوم هم این است که برای حقی که از کف ما رفته است اظهار خوشوقتی نمائیم من تصور می‌کنم که آقای نخست وزیر تعریف استقلال را فراموش کرده‌اند اگر چنین است من تکرار میکنم که در اصطلاح تمام ممالک دنیا استقلال عبارتست از حق قبول نکردن مداخله دولت بیگانه در امور داخلی و در ارتباطهای خارجی و کشور مستقل مملکتی را گویند که در رفتار داخلی و خارجی خود آزاد باشد و در عقد هر قرارداد و حفظ هر قرارداد و هر گونه رابطه با دولتهای دیگر ذی حق باشد اکنون باید فهمید که وجود قوای خارجی در مملکت ما با اعتراف باینکه اشغال نظامی نیست با مفهوم استقلال ما چه تناسبی دارد.

ممکن است در جواب من بفرمایند که مقصود از این جمله آن است که وجود قوای خارجی مایه مزاحمت و عملی نیست که خصمانه تلقی شود اگر اینطور است جمله (مزاحمت آنها با ادارات و قوای تأمینیه ایران و زندگانی اقتصادی کشور و رفت و آمد عادی سکنه و اجرای قوانین و مقررات ایران در حد اقل امکان خواهد بود) بی‌معنی است.

مگر این جمله اعتراف بوجود مزاحمت نیست و از این جا بیک نکته دیگر پی می‌بریم که وجود این قوا موجب مزاحمت زندگانی اقتصادی ما نیز خواهد شد زیرا با کلمه کشدار حد اقل امکان خیلی کارها میتوان انجام داد من امیدام در نسخه انگلیسی و روسی این قرارداد بجای این کلمه چه نوشته شده است اصافاً فارسی آن که بسیار بد کلمه ایست و ممکن است از آن دو معنی متضاد فهمیده شود فصل ششم این قرارداد به عقیده من از آن جهت مضر

است که روابط ایران را که با سایر دول باید دوستانه باشد از بین میبرد



البته آقایان نمایندگانت محترم مستحضر هستند که کشور شاهنشاهی ایران با کشور ژاپون ترکیه اتحاد جماهیر شوروی افغان فرانسه آلمان بلژیک لهستان ایتالیا سوئد هلند دانمارک فنلاند حجاز و بسیاری از کشورهای دیگر پیمان مودت و دوستی دارد و بر طبق گفتار آقای فروغی در صورتی که قرار داد هم در مجلس تصویب شود ایران بی طرف است و با هیچ دولتی مخالف نیست و بالطبع روابط ما با همه برقرار خواهد بود

از جوابی که آقای کار دار محترم سفارت فرانسه به آقای وزیر محترم امور خارجه ایران نوشته بودند در روزنامه تجدید هم درج شده بود معام شد که آقای فروغی بر خلاف گفته خود عمل کرده اند و بدون اجازه مجلس و بر خلاف قوانین بین الملل شاید خواسته اند روابط ایران را با دولت فرانسه قطع نمایند من هنوز نمیتوانم باور کنم که آقای فروغی چنین قصدی داشته اند که روابط خود را با فرانسه قطع کنند زیرا بر خلاف قوانین و مقررات مربوطه و برخلاف رضایت ملت ایرانست. من امیدوارم که دولت سفارت فرانسه چه نوشته است که آن ها این طور جواب داده اند و متعاقب درج در جریده تجدید هم درج فرماید خواندم که آقای کاردار سفارت فرانسه از ایران عزیمت مینمایند. اینرا هم نفهمیدم بر روی چه اصلی است زیرا بر طبق بیانات خود آقای فروغی این قرار داد اگر تصویب هم بشود ناقض بی طرفی ایران نخواهد بود اگر بر فرض بر طبق ضمیمه ۲ قرار داد بتوانند با بعضی از دول مثلاً قطع رابطه نمایند البته ضمیمه دو شامل دولت فرانسه نخواهد گردید زیرا فرانسه نه با دولت اتحاد جماهیر شوروی در چنگ است نه با انگلیس در پیکار و دولت ایران هیچوقت این حق را نخواهد داشت که با دول دوست ایران رابطه خود را قطع کند. کشور فرانسه در تاریخ یکی از کشورهای اروپائی است که از عهدی قدیم بایران دارای رابطه سیاسی بوده و چنانچه میدانیم از دوره شاه عباس کبیر یا پیشتر با کشور ایران مودت و روابط صمیمانه داشته است و امروز هم که ریاست و پیشوائی مارشال پتن

اداره میشود با ایران رابطه بسیار محبت آمیز و صمیمانه دارد و مردم ایران حاضر نیستند که دولت با دول دنیا عموماً و با دولت فرانسه خصوصاً رابطه خود را قطع کند

چون فصل ششم این قرارداد در باره روابط کشور ما با سایر کشورهای جهانست من در اینجا عرض میکنم که حفظ روابط فرانسه و ایران مخصوصاً امروز برای ایران خیلی ذیقیمت است و اگر دولتی یوسیلۀ ترك رابطه ایران با دول متحابه لغامه باستقلال ما برساند البته مسئول ملت است و سر انجام دولتی که برخلاف مصالح مملکت خود قیام نماید مثل سر انجام رنو و دالادیه و کاملین و نظایر آنها خواهد بود بنده چون حال خیلی بد شده است از اینجهت از بقیه صرف نظر می کنم.

**نخست وزیر** - بنده لازم نیست خیلی توضیحات مفصلی در جواب فرمایشات آقای نوبخت بدهم بجهت اینکه بنده اینطور فهمیدم ایشان زحمت زیادی خواستند بکشند و بگویند یکی اینکه بنده چیزی نمی فهمم و الفاظ را نمی فهمم و عبارت را نمیدانم و اشتباه میکنم و اصطلاحات را فراموش کرده ام و از این قبیل چیزها. ممکن است يك قسمت از فرمایشات ایشان در مورد شخص بنده صادق باشد و ایشان در علم حقوق خیلی زبردست هستند بنده این را نمیخواهم منکر شوم ولی متأسفانه سنم يك قدری زیاد شده است و الا حاضر میشدم و میرفتم از ایشان استدعا میکردم که درس حقوق هم برای من تدریس کنند و یاد بدهند (خنده نمایندگان) مطالب دیگری هم فرمودند در کلیات و جزئیات که اینقدر عالی بود که از حدود فهم بنده خارج بود که نتوانستم بفهمم بنابراین نمیتوانم جواب عرض کنم بنابراین يك دو کلمه فقط میخواهم عرض کنم یکی در باب منشور آتلانتیک است که خیلی بیان مشروحی در آن خصوص فرمودند در اینجا منشور آتلانتیک هم لایحه قانونی بوده است که در مجالس دولتهای انگلستان و شوروی تصویب شده باشد این پیمان بعد از آنکه بین دول متحده آمریکا و دولت انگلیس منعقد شد و دولت شوروی هم بعداً آنرا تصدیق کرد و سایر همراهان آن دولت هم قبول کردند برای همین

است که بنمایانند که سیاست ما چیست در دنیا و روزی که جنگ تمام شد اگر ما پیش برویم چه ترتیبی را در دنیا میخواهیم اجرا کنیم این منشور منتشر شد تمام دنیا دیدند در تمام جرائد نوشته شد و در تمام دنیا مذاکره شد پارلمانهای دولت ها هم هیچ اعتراض نکردند و ما هم این منشور را میتوانیم يك منشور معتبری بدانیم بنده هم از طرف ملت ایران عرض میکنم که دولت ایران هم موافقت دارند با این منشور که يك اصول بسیار خوبی در دنیا مجری شود و مدار و اساس روابط بین المللی بشود (صحیح است - صحیح است) باینجهت با این منشور که مانیکه گاه عهدنامه خودمان قرار دادیم و موافق هستیم و میل داریم که آن اصل پیش برود و باید هم مقدم بشویم با سایر مللی که میخواهند آن اصول پیش برود و يك کلمه دیگری عرض میکنم راجع به بیانات ایشان و آن این بود که يك شرح مفصلی اعتراض کردند بر کلمه تعهد که فصل اول این قرارداد است و مطالب غریب و عجیبی فرمودند که بنده نتوانستم بخاطر بیاورم که چه مقصودی دارند فقط خاطر آقایان را متوجه میکنم که فصل اول اینطور نوشته شده است که دول مشترکاً و هر يك منفرداً تعهد می کنند فالان و فالان (توجه بفرمائید چه چیز را تعهد میکنند) تعهد میکنند تمامیت خاک ایران و حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را محترم بشمارند این چه عیبی دارد بنابراین چون فرمایشات دیگر آقای نوبخت تمام نشد بنده هم دیگر دنبال نمیکنم اما موضوع کاردار سفارت فرانسه و قطع روابط دولت ایران با دولت فرانسه دولت ایران هنوز قطع روابط نکرده است اما اگر این عهدنامه تصویب شد ممکن است قطع روابط بشود بموجب مدلول همین عهدنامه اما کاردار سفارت فرانسه اولاً جواب نبود بلکه خودش يك مراسله نوشته بود بوزارت خارجه. آن مراسله چه بود بنظر بنده چیزهای بی ربطی بود و مخالف اصول کلی بود و کاربردی بود و شاید خود آقای نوبخت هم با همه احاطه که به اصول دیپلماسی دارند میدانند که يك کاردار یا يك وزیر مختاری که مأمور است از طرف دولت خودش در نزد دولت دیگر با ملت و با روزنامه و با مردم و بازرگانان آن ملت کار ندارد

**بعضی از نمایندگان** - رأی بگیریید.

**رئیس** - رأی میگیریم به اعتراضات آقای نوبخت یکی یکی. نسبت به فصل اول آقایان موافقین برخیزند (عده برخاستند) تصویب شد. رأی گرفته میشود با اعتراضات ایشان نسبت به فصل دوم موافقین قیام نمایند (عده قیام نمودند) تصویب شد. رأی گرفته میشود با اعتراضات فصل سوم کسانی که موافقت قیام نمایند (عده برخاستند) تصویب شد. رأی میگیریم به اعتراضات فصل چهارم موافقین برخیزند (عده برخاستند) قابل توجه شد. رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن اعتراضات فصل پنجم موافقین برخیزند (چند نفر برخاستند) قابل توجه شد. رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن اعتراضات فصل ششم موافقین برخیزند (چند نفر قیام نمودند) تصویب شد. رأی میگیریم به اعتراضات فصل هفتم موافقین برخیزند (عده برخاستند) تصویب شد. رأی گرفته میشود به اعتراضات فصل هشتم موافقین برخیزند (معدودی برخاستند) تصویب شد. رأی میگیریم با اعتراضات نسبت به فصل نهم موافقین برخیزند (عده برخاستند) تصویب شد. آقای دکتر جوان:

**دکتر جوان** - بنده خیلی متأسف هستم که بر خلاف صریح نظامنامه داخلی مجلس اجازه ندادند که در اطراف پیمان صحبتی بکنم بالاخره چون اجازه داده شد بنده عرایض را منحصراً میکنم بموضوع فصل پنجم که اعتراضات داده ام در فصل پنجم قید شده است به بعضی اینکه خاصه و جنگ بین این دو دولت با دولت آلمان و شرکای او خانمه پیدا کرد در مدت شش ماه در صورت متارکه و بلا فاصله بعد از صلح بروی خودشان را از کشور ما خارج



کنند. این عبارت خیلی روشن است و احتیاج به تعبیر و تفسیر ندارد در این قسمت بنده ایرادی داشتم و آن این بود استدلالی که برای اشغال کشور ما میکنند این است که کشور ایران سر راه این دو دولت واقع شده و این دو همسایه برای ایجاد وسائل و سایر احتیاجات جنگی احتیاج دارند آقایان تصدیق میفرمایند که اگر یک روزی رسید بین این دو دولت همسایه شمالی و جنوبی ما با دولت آلمان و شرکای اروپائی او یعنی دولت آلمان و دیگران صلح کرد و ولی دولت ژاپن فرضاً خاتمه نداد یعنی با دولت ژاپن در جنگ باشند آیا باز هم این وضعیت سر جای خودش باقی است یعنی باز هم وضعیت جغرافیائی ما اقتضا میکند بر اینکه نیروی این دو دولت در کشور ما باشند؟ فرض بفرمائید دولت انگلستان و دولت شوروی با دولت آلمان و شرکای اروپائی او جنگ را تمام کردند و صلح شد اما با دولت ژاپن در حال جنگ باشند بنابراین باز باید نیروی این دو دولت در کشور ما باشند؟ ایرادی که بنده دارم پیشنهادی هم دارم که بایستی در اینجا قید شود که بمحض خاتمه جنگ بین انگلستان و شوروی و دولت آلمان و شرکای اروپائی او باید نیروی خودشان را از کشور ما خارج کنند و از ایران بیرون بروند حالا فرض بفرمائید اینجا بطور کلی نوشته اند شرکای او. فرض بفرمائید اینجا دولت ژاپون یکی ملو شرکای آلمان است. اگر فرضاً آنها صلح کردند با هم با دولتهای اروپائی و باز این جنگ با ژاپون باقی بود آوقت تکلیف ما چیست؟ چرا باید این قید در اینجا باشد که با شرکای اروپائی او؟ این يك ایراد بنده بود که بنده در قسمت اول هم عرض کردم. اما در قسمت دوم ملاحظه میفرمائید در قسمت اول می نویسد اگر جنگ بین دولت آلمان و شرکای او با دول متحده متار که شد این عبارت خیلی صریح و روشن است و احتیاج به هیچگونه تعریف و تفسیری ندارد حالا چه شده است که عبارت باین روشنی را يك عبارت دیگری ضمیمه اش کرده اند و در ذیل ماده به عنوان تعریف شرکای آلمان اضافه کرده و نوشته اند

که مقصود از شرکای آلمان عبارت از هر دولتی است که اکنون یا در آینده با یکی از دول متحده بنای مخصوصه گذاشته یا بگذارند این خوب نیست فرضاً جنگ خاتمه پیدا کند و قضیه تمام شود فرض بفرمائید دولت انگلستان یا دولت شیلی یا برزیل جنگ بکنند یا فرضاً با دولت ژاپن بالاخره وقتی که ما را جمع میکنیم با آنها که باید تخلیه بکنید و نیروی خودتان را ببرید و اجرای پیمان را از آنها تقاضی کنیم که نیروتان را ببرید فوراً تعریف اخیر را جلوی پای ما میگذارند و این را همین جور بر ضررها تعبیر خواهند کرد این بود که بنده ضمن شور اول که اعتراضات خودم را تقدیم داشتم بودم متأسفانه آلهائی را که علاقه داشتم جز يك قسمت مورد توجه واقع نگردید از این جهت بنده آنها را تکرار نکردم ولی این قسمت قسمت مهمی است آن هم که برای زمان حال و زمان جنگ برای تعبیر و تفسیر و برای موقعی که جنگ خاتمه پیدا بکند سوء تفسیر کنند آوقت آفت دارد برای ما بنده در هر صورت چون مقید هستم امروز وارد در فصول دیگر نشوم و در هر صورت بنده قانوناً بین شور اول و دوم که میگویند تفاوتی نمی بینم و عقیده داشتم بهمان ترتیبی که در شور اول در کلیات اجازه دادند و مذاکره شد بایستی اجازه میدادند که در شور دوم هم در کلیات صحبت شود و بالاخره نظامنامه ما هم صریح است که باید اجازه داده شود حالا چون تصمیم گرفته شده است در کلیات صحبت نشود بنده عرض نمیکنم فقط مختصراً عرض میکنم حقیقه بنده خیلی فکر کردم در اطراف این پیمان بلکه يك وسیله پیدا کنم که يك حالت موافقتی پیدا کنم ولی بنده مخصوصاً روی ایمان بهمین و کشور خودم خیلی فکر کردم دیدم هیچ راهی نیست برای بنده البته تأثیرات خیلی زیاد است تنها این نیست تأثیرات که بنده بدین هیچگونه علت و بدون هیچ سببی دیروز مورد حمله یکی از آقایان نمایندگان واقع شدم ....

همه نمایندگان - این حرفها ملاحظه نیست آقایان ...  
رئیس -

دکتر جوان - و تأثیر بنده از این است که به بنده اجازه

داده شد تا روی دلائل آن دلائلی که یقین دارم در قلب همه آقایان مؤثر واقع می شود بالاخره با کثرت ثابت می کردم که این تأثیرات (زنگ رئیس) تمام است عریض بنده فقط دو جمله بیشتر نیست. تأثیرات من از این است که این پیمان بالاخره در نتیجه مقرراتی که در این جا تصریح شده است بر ضرر ما است و برای امور اقتصادی ما خیلی مضر واقع شده است بنده نمیخواهم بگویم که تنها امروز گرانی فوق العاده و سنگینی مالیات هزینه زیاد دولت بد رفتاری مأمورین مالیه با مردم فقط و فقط ناشی از عمل همکاری است که در اینجا پیش بینی شده است و دولت فقط برای اینکه بتواند نقشه همکاری را عملی بکند ...

(صدای زنگ رئیس - همه نمایندگان - این حرفها به پیمان مربوط نیست)

دکتر جوان - آقایان کدام شما اجازه داده اید که مأمورین مالیه برخلاف قانون مستنکف را توقیف بکنند؟ (همه نمایندگان - زنگ رئیس - خارج از موضوع است)

دکتر جوان - چرا خارج از موضوع است؟ بسیار خوب دیگر عرض نمیکنم.

رئیس - این صحبتها خارج از موضوع است آقایان نخست وزیر - فرمایشات آقایان هم بنده محتاج بجواب زیادی امیدام. اولاً تأسف خوردند از اینکه چرا انگذاشتند که ایشان صحبت کنند در صورتیکه در شور اول ایشان بسیار مفصل صحبت کردند و مذاکره فرمودند هر چه میخواستند گفتند هیچکس هم از ایشان مانعتی نکرد (صحیح است) البته ایشان بنده میخواهم تصدیق کنم که از روی عقیده با این پیمان مخالف هستند و حق دارند یعنی آزادند و مختارند و می توانند مخالف باشند کما اینکه دیگران هم آزادند و مختارند باینکه موافق باشند فقط چیزی که عرض میکنم وقتی که انسان با يك چیزی مخالف شد اصولاً همه متعلقات آنرا بد میداند و آوقت از برای آن مخالفت خودش اقامه دلیل



میکند و دلیل قطعی و منطقی بیان میکند مثل اینکه ایشان می‌فرمایند مالیات اگر زیاد است مربوط باین پیمان است یا تقصیر این چیزهایی است که واقع شده است بنده نمیدانم چرا مالیات این مملکت در سال ۱۳۲۰ چهارصد و سی میلیون تومان یا چهار میلیارد و سیصد میلیون ریال مقرر شده بود از برای برگردن این بودجه و این عایدات يك مالیاتهایی هم یا وضع شده یا وضع نشده عملیاتی هم واقع شده است مدت شش ماه هم روی آن بودجه عمل کردند منتهی این است که در این اواخر جریانهای پیداشد در کشور که همه میدانند حالا ما سعی میکنیم که این بودجه سنگین را که بعقیده ما برای این مملکت خیلی سنگین است و فعلاً این ملت طاقت این بودجه را ندارد باید سبکساز کرد و هر قدر بتوانیم صرفه جویی کنیم و کمش کنیم.

اما گرانی مثلاً يك مقدار زیادی البته دلائل عیدیه دارد حالا که جای این را ندارد که ما اینجا بحث کنیم در این مسئله گرانی دلائل زیادی دارد یکی همان مالیات سنگین کشور است غیر از مالیات سنگین عامل دیگر همان بسته شدن راه تجارت دنیا است ارزانی آقا در نتیجه رقابت است و رقابت هم روی تجارت و داد و ستد است و وقتی که راه تجارت مسدود بود و وقتی رقابت شد طبعاً اجناس گران میشود ما امیدوار هستیم یعنی نه می‌توانیم و انشاء الله آقایان بجا بندگان محترم هم با ما کمک میکنند در مشورت، در رأی، در همه چیز و بقدری که ممکن است تلاش میکنیم که با اصلاح امروزه سطح زندگی را پایین بیاوریم ولی فراموش نفرمائید يك علل طبیعی هست که آن علل طبیعی تا مرتفع نشود سطح زندگی امیرود با بجائی که باید برود متأسفانه اینطور است و در اختیار کسی نیست خواهش میکنم اینجور بیانات نفرمائید و چیزهایی که از حقیقت خارج باشد نفرمائید و اسباب شبهه اذهان مردم را فراهم نفرمائید. اما در موضوع اعتراض خودشان اگر دولت ژاپن که در این عهدنامه ذکر نشده است و این جاذب شده است آلمان و شرکای او یعنی آلمان و هر کس که با آلمان شریک در جنگ است حالا ایشان میخواهند بگویند

منحصراً باروپا باشد نظرشان هم باین است که در آسیا فقط يك دولت ژاپن است که با آلمان متحد است، خوب چه میدانیم که فردا چه پیش میآید اگر ما بخواهیم تجدید کنیم به لفظ اروپائی آنوقت بسا هست که فردا يك ترتیبی پیش بیاید که مخالف این نظر میشود و مخالف این اقتضای امروزی میشود و اینکه میفرمایند با خیلی حرارت که این جمله که بعداً اضافه شده است بر ماده چرا اضافه شده است و حال آنکه مطلب روشن بوده است حالا هم مطلب این جمله روشن است مطلب راجع بهمین جنگ است و همین اتحاد که گفته شده است آلمان و شرکای او حالا اگر يك جنگ دیگری مابین دولت شوروی و انگلیس بایک دولت دیگری بشود که مربوط با اتحاد با آلمان نباشد این عهدنامه که شامل آن نمیشود چرا آنرا شامل کنیم این قرینه عبارت و محل عبارت اینها همه روشن است که مقصود همان است یعنی از این عبارت که اضافه شده است مقصود این است که منحصراً نیست بدولتهائی که امروز با آلمان شریک هستند. حالا بگوئیم اگر احیاناً این عهدنامه را امضا کردیم پس از امضای این عهدنامه هم اگر يك دولت دیگری پیدا شد که با آلمان شریک شد در جنگ او هم مشمول این عهدنامه است؟ این مورد ندارد و این يك ماده واضحی است که احتیاج به توضیح ندارد این بود توضیحات بنده بطور اختصار.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن اعتراضات آقای دکتر جوان در فصل پنجم موافقین برخیزند.

(چند نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. رأی میگیریم.

اوبخت - بنده خاطر نظامنامه ای دارم بنده و چند نفر از آقایان پیشنهاد کردیم با ورقه رأی گرفته شود.

رئیس - پیشنهاد قرائت میشود:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی. تمنی داریم در بار پیمان اتحاد با دولین انگلستان و شوروی طبق ماده ۸۷ نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی در موقع اخذ رأی بطور

علنی با ورقه رأی گرفته شود. ارکائی. اوبخت. دکتر جوان. ابوالقاسم اراقی. مولتشمای. آزادی (ملوسی). يك امضای دیگر هم هست که خوانده نمیشود.

ارکائی - بنده پس گرفتیم.

رئیس - آقای دکتر جوان.

دکتر جوان - يك ورقه پیشنهاد دیگری هم نزد آقای طهرانچی است که هفده نفر امضا کرده اند.

طهرانچی - همین ورقه کافی است برای رأی گرفتن با ورقه. رئیس - موافقین با ماده واحده دولت ورقه سفید خواهند داد.

(اخذ و شماره آراء بعمل آمده ۸۰ ورقه سفید و ۸ ورقه کبود شماره شد)

رئیس - عده حاضر در موقع رأی ۹۳ با ۸۰ رأی ماده واحده دولت تصویب شد. آقای دکتر ملک زاده.

دکتر ملک زاده - اگر چه عرایض بنده خیلی مختصر است ولی استدعا میکنم توجه نفرمائید. جمعی از نمایندگان محترم وعده زیادی از خارج در این مدتی که موضوع معاهده در جریان بود از بنده سؤال کردند که چه شد در اطراف معاهده در مجلس علنی اظهار نظری نکردم. (یکی از نمایندگان - موضوع معاهده مطرح نیست. آقا)

اینجا اکثر آقایان صحبت فرمودند حتی از نظامنامه هم تجاوز فرمودند. این است که تصدیع میدهم:

آقایان همه شاهدند که بنده نظریات خود را در جلسه خصوصی بطور مفصل بعرض مجلس رساندم و مخصوصاً از آقای وزیر امور خارجه تقاضا کردم که این نظریات را یادداشت بکنند و ترتیب اثر بدهند اعتراضاتی که بعنوان پیشنهاد در مجلس داده شد و حقیقه مورد مطالعه دولت واقع شد و اقدام شد و بعضی از آتها هم از طرف دولین قبول شد و امیدوارم سایر نظریات هم در این معاهده اقتصادی که دولت در نظر دارد تأمین بشود ولی مقصود اصلی من از این عرایض این نبود مقصود اصلی من دو جمله بود که اینجا عرض بکنم و آن دو جمله این است که اول بعقیده من نظر به مقتضیات طبیعی ایران و نظر به مقتضیات جغرافیائی ایران

کمان میکنم که یک نفر ایرانی نباشد که طرفدار این عقیده نباشد که مناسبات ایران با همسایگان باید براساس دوستی باشد (صحیح است) هر ایرانی حتی آتهائی هم که مخالف هستند در این مجلس کمان میکنم که منکر این اصل نباشند که مناسبات دولت و ملت ایران با همسایگان و هر ملتی که باشد صلاح و صرفه طرفین در این است که از روی اساس دوستی و مودت باشد (صحیح است) این نکته ای که عرض میکنم چون هم آشنا با فکر عامه هستیم هم خود را نماینده آنها میدانم.

(چون عده کافی نبود قدری تأمل کردند تا عده کافی شد) دکتر ملک زاده - نکته دومی که بیشتر سنگینی عقیده خود را بآن میدهم این است که بعقیده بنده يك اتحاد حقیقی يك اتحاد واقعی يك اتحادی که در روی يك پایه محکم و اساسی باشد اتحاد معنوی و قلبی دو ملت است با یکدیگر یعنی اگر دو ملت اعتماد و اطمینان نسبت بهم داشته باشند محبت و مهر بانی نسبت بهم داشته باشند آن معاهده و آن اتحاد يك اتحاد حقیقی و يك اتحاد واقعی و يك اتحاد با دوامی برای طرفین خواهد بود بنابر این بنده امیدوار هستم حالا که این مجلس این معاهده را پذیرفت يك عده رأی دادند يك عده هم رأی ندادند ولی معاهده رسماً از طرف مجلس و دولت قبول شده است امیدوارم که عملیات دو دولت همسایه متحد ما در آتی در روی يك پایه و اساسی باشد که جلب آن محبت جلب آن اطمینان حقیقی و جلب آن اعتماد را بکنند (صحیح است) و بتواند در نتیجه عملیات خیر خواهانه خودش نسبت به ملت و دولت ایران جبران این خسارات و صدمات و این اطمانی را که هم اخیراً و هم در این دوره اخیر و این چند ساله اخیر بملت ایران وارد شده است بکنند (صحیح است)

(۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز یکشنبه ۱۴ بهمن ماه سه ساعت پیش از ظهر دستور لوابیح موجوده (مجلس ساعت شش بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری



# قانون

اجازه مبادله پیمان اتحاد منعقد بین دولت شاهنشاهی ایران و دول اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان

**ماده واحده** - مجلس شورای ملی پیمان اتحاد بین دولت شاهنشاهی ایران و دول اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان را که مشتمل بر ۹ فصل و شش نامه میباشد و در تاریخ ۲۴ آذر ماه ۱۳۲۰ از طرف نمایندگان سه دولت پاراف شده تصویب و بدولت اجازه میدهد امضاء و مبادله شود.

این قانون که مشتمل بر یک ماده و متن پیمان اتحاد پیوست آن میباشد در جلسه ششم بهمن ماه یک هزار و سیصد و بیست و نهمین مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

## متن پیمان اتحاد

اعلیه حضرت همایون شاهنشاه ایران از یکطرف و اعلیه حضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس ماوراء بحار و امپراطور هندوستان و هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از طرف دیگر، نظر باصل منشور اتلانتیک که رئیس جمهور دول متحده امریکا و نخست وزیر دول انگلستان در چهاردهم ماه اوت ۱۹۴۱ بر آن توافق کرده و بجهان اعلام نموده اند، و دول اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز در بیست و چهارم سپتامبر ۱۹۴۱ اصل مزبور را تأیید نموده و دول اعلیه حضرت همایون شاهنشاه ایران هم توافق کامل خود را با آن اصل ابراز مینمایند و مایلند که با ملل دیگر جهان بطور یکسان از آن بهره مند شوند و :

چون آرزو مند میباشند که رشته دوستی و حسن تفاهم فیما بین استوار شود و :

نظر باینکه این مقاصد بوسیله عقد پیمان اتحاد بهتر حاصل میشود ؛ توافق نمودند که برای این منظور پیمانی منعقد سازند و نمایندگان مختار خود را از این قرار تعیین نمودند :

اعلیه حضرت همایون شاهنشاه ایران

جناب آقای علی سهیلی

وزیر امور خارجه شاهنشاهی

اعلیه حضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس ماوراء بحار و امپراطور هندوستان بنام مملکت متحده

بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی :

جناب سر ریدر ویلیام بولارد

وزیر مختار و نماینده فوق العاده اعلیه حضرت پادشاه انگلستان در ایران.

هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی :

جناب آقای آندره آندریویچ سمیرنوف

سفیر کبیر فوق العاده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران

و نمایندگان مزبور اختیارات تامه خود را ارائه نمودند که صحیح و معتبر بوده و بر مقررات ذیل موافقت کردند :

## فصل اول

اعلیه حضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیسی ماوراء بحار و امپراطور هندوستان و هیئت رئیسه

شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ( که از این پس آنها را دول متحد خواهیم نامید ) مشترکاً و هر يك منفرداً



تعهد میکنند که تمامیت خاک ایران و حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را محترم بدارند .

### فصل دوم

مابین دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران از یکطرف و دول متحده از طرف دیگر پیمان اتحادی بسته میشود .

### فصل سوم

۱ - دول متحد مشترکاً و هر يك منفرداً متعهد میشوند که به جمیع وسایلی که در اختیار دارند ایران را در مقابل هر تجاوزی از جانب آلمان یا هر دولت دیگر دفاع نمایند .

۲ - اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران متعهد میشوند که :

الف - به جمیع وسایلی که در دست دارند و بهر وجه ممکن شود با دول متحد همکاری کنند تا تعهد فوق انجام یابد ولیکن معاضدت قوای ایرانی محدود بحفظ امنیت داخلی در خاک ایران خواهد بود .

ب - برای عبور لشکریان یا مهمات از يك دولت متحد بدولت متحد دیگر یا برای مقاصد مشابه دیگر بدول متحده حق غیر محدود بدهند که آنها جمیع وسایل ارتباطی را در خاک ایران بکار ببرند و نگاهداری کنند و حفظ نمایند و در صورتیکه ضرورت نظامی ایجاب نماید بهر نحوی که مقتضی بداند در دست بگیرند راههای آهن و راه ها و رودخانه ها و میدانیهای هواپیمائی و بنادر و لوله های نفت و تأسیسات تلفنی و تلگرافی و بی سیم مشمول این فقره میباشد .

ج - هر نوع مساعدت و تسهیلات ممکنه بنمایند که برای منظور نگاهداری و بهبود وسایل ارتباطیه مذکور در فقره ( ب ) مصالح و کارگر فراهم شود .

د - باتفاق دول متحده هر گونه عملیات سانسوری که نسبت بوسایل ارتباطیه مذکور در فقره ( ب ) لازم بداند برقرار کنند و نگاه بدارند .

۳ - واضح و مسلم است که در اجرای فقرات ( ب - ج - د ) از بند دوم این فصل دول متحده حوائج ضروری ایران را کاملاً منظور نظر خواهند داشت .

### فصل چهارم

۱ - دول متحده میتوانند در خاک ایران قوای زمینی و دریائی و هوائی بدهند که لازم بداند نگاهدارند و تا جائیکه مقتضیات استراتژیک اجازه بدهد نقاطی که این قوا آنها نگاهداشته خواهند شد با موافقت دولت ایران تعیین خواهند شد جمیع مسائل مربوط بروابط بین قوای دول متحده و ادارات دولت ایران حتی الامکان با همکاری ادارات ایران تسویه خواهد شد بنحوی که مأموریت قوای مزبور محفوظ باشد مسلم است که حضور این قوا در خاک ایران اشغال نظامی نخواهد بود و نسبت بادارات و قوای تأمینیه ایران و زندگیانی اقتصادی کشور و رفعت و آمد عادی سکینه و اجرای قوانین و مقررات ایران هر قدر ممکن باشد کمتر مزاحمت خواهد نمود .

۲ - هر چه زودتر ممکن شود بعد از اعتبار یافتن این پیمان يك یا چند قرارداد راجع بتعهدات مالی که دول متحده بسبب مقررات این فصل و فقره ( ب - ج - د ) از بند دوم فصل سوم برعهده خواهند داشت در اموری از قبیل خرید های محلی و اجاره ابنیه و تأسیسات صنعتی و بکار گرفتن کارگران و مخارج حمل و نقل و امثال آن فیما بین منعقد خواهد شد قرارداد مخصوصی منعقد خواهد شد مابین دول متحده و دولت شاهنشاهی ایران که معین خواهد کرد که بعد از جنگ ابنیه و اصلاحات دیگری که دول متحده در خاک ایران انجام داده باشند بچه شرایط بدولت شاهنشاهی ایران واگذار میشود در قرارداد های مزبور مصویتهائی هم که قوای دول متحده در ایران از آن برخوردار خواهند بود مقرر خواهد گردید .

### فصل پنجم

پس از آنکه کلیه مخاصمه مابین دول متحده بادولت آلمان و شرکای او بموجب يك یا چند قرار داد متار که جنگ

متوقف شد و دول متحده در مدتی که زیاده از ششماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون خواهند برد و اگر پیمان صلح مابین آنها بسته شد ولو اینکه قبل از ششماه بعد از متار که بسته بلافاصله قوای خود را بیرون خواهند برد . مقصود از شرکای دولت آلمان هر دولت دیگری است که اکنون یا در آینده با یکی از دول متحده بنسای مخاصمه گذاشته یا بگذارد .

### فصل ششم

۱ - دول متحده متعهد میشوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشی اختیار نکنند که تمامیت خاک و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد و پیمانهای بندهند که بامقررات این پیمان منافات داشته باشد و متعهد میشوند که در امری که مستقیماً بامنافع ایران مرتبط باشد بادولت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مشاوره نمایند .

۲ - اعلیحضرت همایون شاهنشاه متعهد میشوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشی اختیار نکنند که با اتحاد منافی باشد یا پیمانهای منعقد نکنند که بامقررات این پیمان منافات داشته باشد .

### فصل هفتم

دول متحده مشترکاً متعهد میشوند که بهترین مساعی خود را بکار ببرند که حیات اقتصادی ملت ایران را در مقابل تضییقات و اشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر پیش بیاید محفوظ بدارند . پس از آن که این پیمان اعتبار یافت برای بهترین وجه عمل کردن باین تعهد مابین دولت ایران و دول متحده مذاکرات شروع خواهد شد .

### فصل هشتم

مقررات این پیمان مابین اعلیحضرت همایون شاهنشاه و هر يك از دو طرف معظم متعاهد دیگر مانند تعهدات دو طرفی یکسان الزام آور است .

### فصل نهم

این پیمان پس از امضاء معتبر است و تا تاریخی که برای بیرون بردن قوای دول متحده از خاک ایران برطبق فصل پنجم مقرر شده باعتبار باقی خواهد بود .

بنابر این نمایندگان مختار مذکور در فوق این پیمان را امضاء و مهر کرده اند در تهران بسمه نسخه فارسی و انگلیسی و روسی تحریر شد و هر سه نسخه یکسان معتبر خواهد بود .

### ضمیمه اول

متن نامه ایست که از طرف وزیر مختار دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بوزیر امور خارجه ایران نوشته میشود :  
با عطف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شد مفتخراً از جانب دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بجنابعالی اطمینان میدهم که مقررات این بند را دولت متبوع من چنین معنی میکنند که آن مقررات بهر کنفرانس صلحی خواه يك کنفرانس خواه کنفرانسهای متعدد که در پایان جنگ حاضر منعقد شود و همچنین بکنفرانسهای بین المللی دیگر تعلق خواهد گرفت و بنا بر این متعهد میشود که در کنفرانسهای مزبور هیچ امری را که بتمامیت خاک ایران و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد تصویب نمایند و نیز در کنفرانسهای مزبور وارد هیچ مذاکره نشوند که بمنافع مستقیم ایران مرتبط باشد مگر اینکه بادولت ایران مشاوره کنند .

علاوه بر این دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نهایت کوشش را بکار خواهند برد که ایران در مذاکرات صلحی که مستقیماً بمنافع او مرتبط باشد با دول دیگر بطور تساوی نمایند داشته باشد .



## ضمیمه اول

متن نامه ایست که از طرف سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بوزیر امور خارجه ایران نوشته میشود .  
 با عطف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شد مفتخراً از جانب دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به جنابعالی اطمینان میدهم که مقررات این بند را دولت متبوع من چنین معنی میکنند که آن مقررات بهر کنفرانس صلاحی خواه يك کنفرانس خواه کنفرانسهای متعدد که در پایان جنگ منعقد شود و همچنین بکنفرانسهای بین المللی دیگر تعلق خواهد گرفت و بنابر این متعهد میشود که در کنفرانسهای مزبور هیچ امری را که به تمامیت خاک ایران و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد تصویب ننمایند و نیز در کنفرانسهای مزبور وارد هیچ مذاکره نشود که بمنافع مستقیم ایران مرتبط باشد مگر اینکه بادت ایران مشاوره کنند .  
 علاوه بر این دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نهایت کوشش را بکار خواهند برد که ایران در مذاکرات صلاحی که مستقیماً بمنافع او مرتبط باشد بادل دیگر بطور تساوی نماینده داشته باشد .

## ضمیمه دوم

متن نامه ایست که وزیر امور خارجه ایران بوزیر مختار دولت انگلیس خواهد نوشت :  
 با عطف به بند دوم از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شد از جانب دولت ایران به جنابعالی اطمینان میدهم که دولت ایران بنا بر بند مزبور خلاف تعهدات خود میداند که چنانچه این دو دولت هر دو بادت دیگری روابط سیاسی نداشته باشند دولت ایران با آن دولت روابط سیاسی نگاه ندارد .

## ضمیمه دوم

متن نامه ایست که وزیر امور خارجه ایران به سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی خواهد نوشت .  
 با عطف به بند دوم از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شد مفتخراً از جانب دولت ایران به جنابعالی اطمینان میدهم که دولت ایران بنا بر بند مزبور خلاف تعهدات خود میداند که چنانچه این دو دولت هر دو بادت دیگری روابط سیاسی نداشته باشند دولت ایران با آن دولت روابط سیاسی نگاه ندارد .

## ضمیمه سوم

متن نامه ایست که از طرف وزیر مختار انگلستان بوزیر امور خارجه ایران نوشته میشود .  
 افتخار دارم از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ممالک متحده به جنابعالی اطمینانهای زیر را ابلاغ نمایم :  
 ۱ - راجع به فقره ۲ فصل سوم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شده است دول متحده از دولت ایران معاضدت قوای نظامی او را در هیچ جنگ و یا عملیات نظامی بر ضد يك یا چند دولت خارجه تقاضا نخواهند نمود .  
 ۲ - راجع به فقره ۲ فصل ۴ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحده برای مقاصد نظامی خود انجام داده باشند و برای حوائج ایران ضرورت نداشته باشد عهده دار شود .  
 ۳ - مسلم است در صورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل ۹ قبل از انعقاد صلح از درجه اعتبار ساقط شود ضمیمه يك باز بقوت خود باقی خواهد ماند .

## ضمیمه سوم

متن نامه ایست که از طرف سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی بوزیر امور خارجه ایران نوشته میشود .  
 افتخار دارم از طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به جنابعالی اطمینانهای زیر را ابلاغ نمایم :

۱ - راجع به فقره ۲ فصل سوم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شده است دول متحده از دولت ایران معاضدت قوای نظامی او را در هیچ جنگ و یا عملیات نظامی بر ضد يك یا چند دولت خارجه تقاضا نخواهند نمود .

۲ - راجع به فقره ۲ فصل ۴ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحده برای مقاصد نظامی خود انجام داده باشند و برای حوائج ایران ضرورت نداشته باشد عهده دار شود .

۳ - مسلم است در صورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل ۹ قبل از انعقاد صلح از درجه اعتبار ساقط شود ضمیمه يك باز بقوت خود باقی خواهد ماند .

اجازه مبادله پیمان اتحاد بین درات شاهنشاهی ایران و دول اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان مشتمل بر نه فصل و شش ضمیمه بشرح بالا در جلسه ششم بهمن ماه یکهزار و سیصد و بیست داده شده است .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری